

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹

(از ص ۸۳ تا ص ۱۰۶)



[10.22059/jarcs.2020.206209.142290](https://doi.org/10.22059/jarcs.2020.206209.142290)

Print ISSN: 2676-4288- Online ISSN: 2251-9297

<https://jarcs.ut.ac.ir>

An Introduction, Description and Classification of Parthian Pottery from Tepe Balan, Sardasht, First Season

Salah Salimi

Master's Graduate of Archaeology, University of Tehran

Reza Heidari

Ph.D Candidate in Archaeology, University of LMU Germany

Yousef Fallahian

Ph.D in Archaeology, Deccan College of Pune India

Received: 3 June, 2016; Accepted: 21 September, 2020

Abstract

Tepe Balan is one of the five ancient tepe that has been excavated as part of Sardasht dam's salvage project. More than 900 diagnostic pottery pieces have been found during the first season from all the trenches, all the pieces used for this study. Since the site has just one period of settlement and so the pottery data is important. The primary aim of this article is to introduce and classification of parthian pottery from Tepe Balan . Thus, pottery data have been typified according to technical features, decoration and form. In terms of methodology of the study, initially the diagnostic pottery of the first season of the excavation have been documented, then these data have been compared with other data from central and northwestern Zagros and Mesopotamia, and finally some similarities have been detected. The forms for a better understanding have been classified into logical group with considering factors like mouth width and height and form of rim. The Latin characters have been used to distinguish them. The study indicates that forms A and B outnumbered by more than 60%, Technical characteristics reveals that they had storage functions. The forms F and B are comparable to local forms, The forms A and E comparable with ware of the Centraonl Zagros region.

Keywords: *Pottery, Tepe Balan, Parthian period, Sardasht, Little Zab.*

معرفی، توصیف و طبقه‌بندی سفال‌های اشکانی فصل اول کاوش تپه بالان سردشت

صلاح سلیمی*

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

رضا حیدری

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه LMU آلمان

یوسف فلاحیان

دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه دکن کالج پونا هند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

تپه بالان یکی از پنج تپه باستانی است که در سال ۱۳۹۴ در راستای پروژه نجات بخشی سد سردشت کاوش شد. از مجموعه ترانسه‌های کاوش شده فصل اول بیش از ۹۰۰ قطعه سفال شاخص یافت شد که همگی آنها برای این پژوهش انتخاب شدند. اهمیت سفال‌های این محوطه به دلیل تک دوره‌ای بودن آن است. هدف اصلی از نگارش این مقاله معرفی و طبقه‌بندی سفال‌های اشکانی تپه بالان است. بر این اساس، در این پژوهش سفال‌های اشکانی به دست آمده از تپه بالان بر مبنای خصوصیات فنی، ظرافت و شکل آنها مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قرار گرفتند. روش به کار رفته به این صورت بوده است که ابتدا تمامی سفال‌های شاخص فصل اول کاوش مستندنگاری شدند، سپس شکل‌های سفالی این محوطه با محوطه‌های زاگرس مرکزی، شمال‌غرب و بین‌النهرین مقایسه شد و شباهت‌هایی بین آنها دیده شد. برای درک بهتر، شکل‌های سفالی در یک چهارچوب منطقی و با در نظر گرفتن شاخصه‌هایی همچون قطر دهانه، ارتفاع و شکل لبه‌ها دسته‌بندی شدند و برای نام‌گذاری آنها از حروف لاتین استفاده شد. مطالعه انجام شده نشان داد که شکل‌های A و B بیش از ۶۰٪ مجموعه را به خود اختصاص داده است. خصوصیات ظاهری و فنی، آنها را در زمره ظروف با کاربری ذخیره قرار می‌دهند. اشکال F و B از نوع سفال‌های بومی و اشکال A و E با بعضی از شکل‌های سفالی محوطه‌های زاگرس مرکزی قابل مقایسه هستند.

واژه‌های کلیدی: سفال، تپه بالان، دوره اشکانی، سردشت، زاب کوچک.

۱. مقدمه

شمال‌غرب ایران در دوره اشکانی کمتر مورد توجه باستان‌شناسان بوده است. باید توجه داشت که مطالعات بر روی سفال‌های دوره اشکانی نسبت به سایر مناطق ایران کمتر صورت گرفته است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۳۹). سردشت از نظر موقعیت جغرافیایی درحوزه شمال‌غرب ایران قرار گرفته است. اطلاعات باستان‌شناسی سردشت ناقص است و بیشتر بررسی‌ها و مطالعات انجام گرفته مربوط به دوره ماناها بوده است. تا به حال به محوطه‌های اشکانی توجه نشده است. محوطه‌های زیادی از دوره اشکانی در حوزه رودخانه زاب کوچک شکل گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به محوطه‌های کاوش شده در چهارچوب پروژه نجات بخشی سد سردشت اشاره کرد که همگی آنها در حاشیه زاب شکل گرفته بودند. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به محوطه ملا و سوا^۱، نيسک آباد^۲، بروه^۳ و تپه بالان^۴ اشاره کرد. دشت کلوه^۵ یکی از مهم‌ترین دشت‌های حوزه زاب به شمار می‌آید که محوطه‌های ذکر شده در این دشت شکل گرفته‌اند.

همانطور که اشاره شد هدف اصلی از نگارش این پژوهش علاوه بر معرفی سفال‌های اشکانی تپه بالان، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی آنها و سپس مقایسه شکل‌های سفالی با سایر مناطق ایران است. سوالات اساسی که در این پژوهش مطرح شدند عبارت‌اند از: سفال‌های تپه بالان با کدام یک از مناطق ایران تشابه شکلی دارند؟ تزئینات به کار رفته بر روی سفال‌های تپه بالان با کدام یک از محوطه‌های اشکانی تشابه بیشتری دارند؟ وضعیت خصوصیات فنی سفال‌ها از جمله حرارت، کیفیت پخت، تکنیک ساخت و غیره... چگونه است؟ همچنین این فرضیه مهم مطرح شده است که سفال‌های بالان محلی هستند یا خیر، اگر محلی هستند کدام یک از گروه‌های سفالی محلی بوده و کدام یک از گروه‌ها را می‌توان با سایر مناطق ایران مقایسه کرد.

تپه بالان در شهرستان سردشت و در جنوب استان آذربایجان‌غربی قرار گرفته است (تصویر ۱). تپه بالان یکی از محوطه‌های کاوش شده پروژه نجات بخشی سد سردشت است که در پاییز سال ۱۳۹۴ به سرپرستی رضا حیدری کاوش شد. وی تپه بالان را در سال ۱۳۸۶ در چهارچوب پروژه بررسی حوضه رودخانه زاب کوچک شناسایی کرد و با تاریخ‌گذاری دوره پارت و ساسانی به ثبت رساند (حیدری، ۱۳۸۶). «تپه بالان در ۷۰۰ متری روستای بالان قرار دارد. گسترش تپه شرقی-غربی است و غرب آن دارای شیب تندتری است. تپه از سمت غرب به رودخانه زاب منتهی است و در ۶۰۰ متری آن نیز یک ایستگاه پمپاژ آب احداث شده است. از سطح تپه به عنوان زمین کشاورزی استفاده می‌شود.» (همان). همچنین علاوه بر تپه بالان سه محوطه دیگر با نام‌های بالان ۲ با تاریخ‌گذاری (ساسانی، اوایل اسلامی)، محوطه بالان ۳ با تاریخ‌گذاری (پیش از تاریخ، اسلامی)، بالان ۴ با تاریخ‌گذاری (ساسانی، اسلامی) در اطراف روستای بالان شناسایی شده است (همان). در سال ۱۳۸۷ علی بیننده در چهارچوب پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خویش این تپه را مجدداً مورد بررسی قرار داد و دوره ساسانی را برای آن پیشنهاد کرد. از نظر وضعیت توپوگرافی تپه از شرق شیب ملایم و از جنوب و شمال دارای شیب تقریباً یکنواخت و از غرب دارای شیب تندتری است. سطح محدوده استقرار تقریباً به صورت بیضی شکل

¹ Molla woso

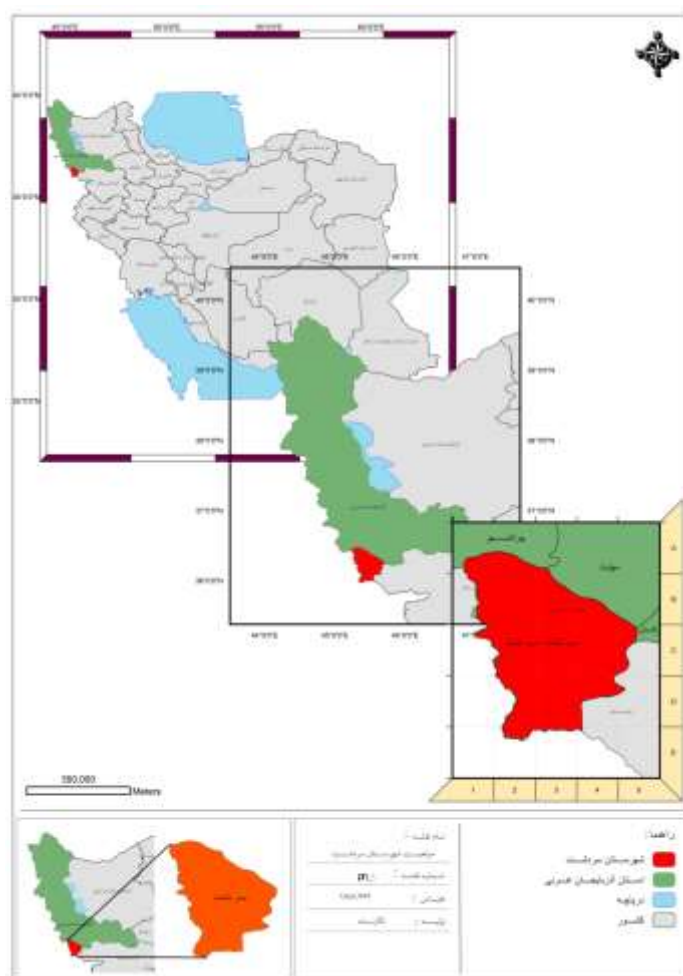
² Niskabad

³ Barwe

⁴ Balan

⁵ Kalweh

است و کشیدگی آن در محور شرقی-غربی است. سطح آن دارای طول ۱۸۰ متر، عرض ۱۵۰ متر و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف در ضلع جنوبی ۸/۵۰ متر است. تپه از غرب به رودخانه زاب و از سایر جهات به زمین‌های کشاورزی محدود است. بهترین راه دستیابی تپه از طریق جاده روستایی بالان به زمین‌های کشاورزی شمال روستا است که در حال حاضر از حاشیه شرقی محوطه عبور می‌کند (بیننده، ۱۳۸۷: صص ۶۲ و ۶۳) (تصویر ۲). سفال‌ها بخش زیادی از یافته‌های کاوش را در بر می‌گیرند. فصل نخست کاوش تپه بالان در مهر و آبان سال ۱۳۹۴، در ارتباط با پروژه نجات‌بخشی سد سردشت انجام شد. کاوش‌ها در سطح تپه متمرکز بود و ۱۱ ترانشه به ابعاد ۵×۵ و یک گمانه به ابعاد ۲×۲ کاوش شد (حیدری، ۱۳۹۴). قطعاً انجام این پژوهش در افزایش دانسته‌های باستان‌شناسی از سفال دوره اشکانی شمال غرب ایران بسیار مفید و موثر خواهد بود.



تصویر ۱: موقعیت شهرستان سردشت در شمال غرب ایران (بیروتی، ۱۳۸۹: ۲۱)

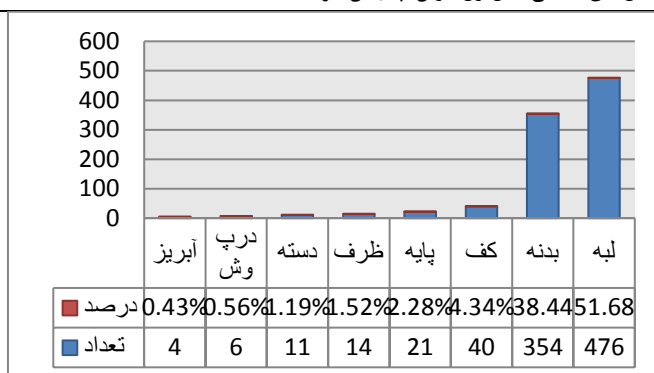


تصویر ۲: موقعیت تپه بالان در کنار رودخانه زاب کوچک قبل از آبرگیری سد سردشت (حیدری، ۱۳۹۴)

۲. سفال‌های تپه بالان^۶

همانطور که اشاره شد سفال‌ها بخش زیادی از یافته‌های کاوش تپه بالان هستند. تعداد سفال‌های یافت شده از فصل نخست کاوش تپه بالان ۳۰۶۷ قطعه هستند که از بین آنها ۹۲۳ نمونه برای مطالعه انتخاب شد. ابتدا باید اشاره کرد که سفال‌هایی که از این محوطه به دست آمده‌اند از نوع سفال‌های معمولی و ساده هستند و از لحاظ ظرافت در گروه سفال‌های با ظرافت متوسط جای می‌گیرند. از آنجایی که هدف اصلی این پژوهش گونه‌شناسی شکل‌های سفالی است، بنابراین تمام لبه‌ها برای بررسی انتخاب شدند. همچنین همه نمونه‌هایی که دارای تزئین بودند، کف‌ها، پایه‌ها و دسته‌ها که تعداد آنها نیز اندک بودند برای بررسی و طبقه‌بندی سفال‌ها انتخاب شدند. نمونه‌های که انتخاب نشدند بیشتر بدنه سفال‌ها بودند و از جمله سفال‌های ساده به شمار می‌آیند. تمامی این سفال‌ها از گمانه‌ها و ترانسه‌های کاوش به دست آمدند. با نگاهی به نمودار شماره ۱ متوجه می‌شویم که لبه‌ها با تعداد ۴۷۶ قطعه و ۵۱٫۶۸٪ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بعد از لبه‌ها بدنه‌ها با تعداد ۳۵۴ قطعه و ۳۸٫۳۹٪ فراوانی، کف‌ها با تعداد ۴۰ قطعه و ۴٫۳۴٪ فراوانی، پایه‌ها با تعداد ۲۱ قطعه و ۲٫۲۸٪ فراوانی، ظرف با ۱۴ نمونه و ۱٫۵۲٪ فراوانی، دسته‌ها با ۱۱ قطعه و ۱٫۱۹٪ فراوانی، درپوش‌ها با ۶ نمونه و ۰٫۵۶٪ فراوانی، آبریزها با ۴ قطعه و ۰٫۴۳٪ فراوانی جای می‌گیرند (نمودار ۱).

^۶ نویسنده‌گان بر خود لازم می‌دانند که از آقای محسن اطمینان و سرکار خانم سحر شفیعی به دلیل همکاری در کاوش فصل اول تپه بالان و طراحی یافته‌های سفالی تشکر و سپاسگزاری کنند.



نمودار ۱: درصد فراوانی قطعات سفالی تپه بالان

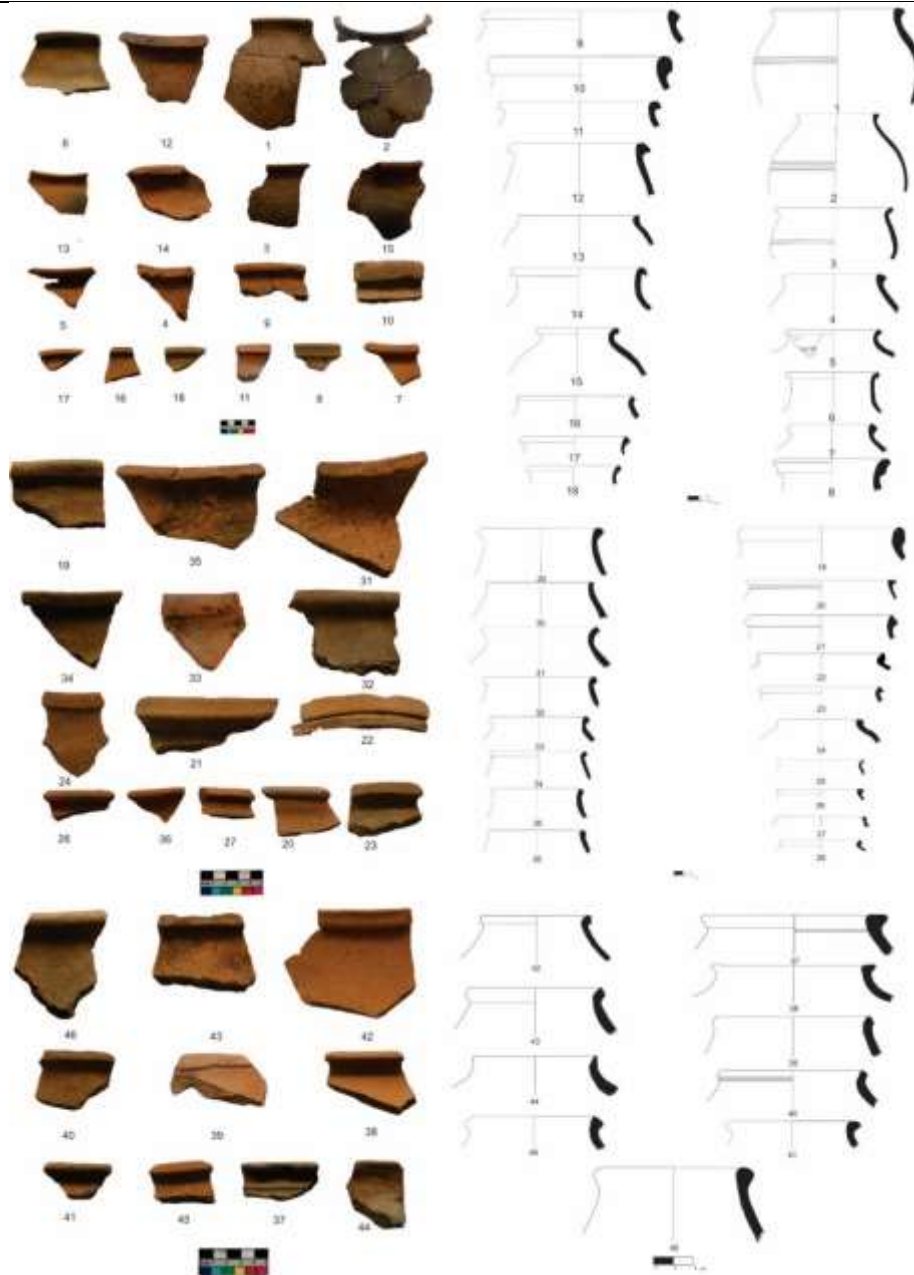
۲-۱. لبه‌ها

بررسی این مجموعه به دلیل تنوع شکل لبه‌ها مشکل بود بنابراین آنها را با توجه به شباهت لبه‌ها به یکدیگر در ۷ گروه دسته‌بندی نمودیم. شاخصه اصلی در دسته‌بندی آنها شکل لبه‌ها، ارتفاع و قطر دهانه آنها بود. از آنجایی که دلیل مبرهنی برای نامگذاری آنها پیدا نشد بنابراین از حروف لاتین A, B, C, D, E, F برای نامگذاری آنها استفاده شد (نمودار ۲).

۲-۱-۱. شکل A

شامل ظروفی هستند که میانگین قطر دهانه آنها بین ۱۶ تا ۳۰ سانتیمتر است و در دو دسته کلی دهانه بسته و دهانه باز جای می‌گیرند. نقطه اشتراک سفال‌های این گروه قطر دهانه ظروف است. شکل‌های دهانه بسته ۳ نمونه هستند (لوح شماره ۱۵، ۴۲، ۴۴). همچنین می‌توان آنها را به دو گروه ظروف گردن‌دار و ظروف بدون گردن دسته‌بندی نمود. تعداد ظروف گردن‌دار کمتر است و ۴ نمونه از سفال‌های این گروه را شامل می‌شوند (لوح شماره ۶، ۸، ۱۴، ۴۴). نمونه‌های مشابه آن از محوطه‌های اشکانی بین‌النهرین (Jason Ur, 2012, T14/8:4) و بررسی‌های یعقوب محمدی فر در هرسین (محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۳۵: ۸) گزارش شده است. شکل لبه‌ها متنوع است و در یک دسته‌بندی کلی شامل لبه‌های متمایل به بیرون و لبه‌های متمایل به داخل هستند. در یک دسته‌بندی جزئی‌تر شامل موارد زیر می‌شوند: لبه‌های تخت متمایل به بیرون (لوح شماره ۲، ۲۶) که نمونه مشابه آن از نه‌اوند (محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۱۳: ۱۶) گزارش شده است، لبه‌های گرد متمایل به بیرون (لوح شماره ۱۰، ۱۹) که نمونه مشابه آن از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 11:18) و محوطه سنگ شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳، طرح ۳: ۳) گزارش شده است. لبه‌های نوک تیز برگشته به بیرون (لوح شماره ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۲۳، ۳۸) که نمونه مشابه آن از محوطه بیستون (Kleiss, 1970, Abb, 26:2) و ماه‌نشان زنجان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۱۵) و قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 16:33) یافت شده است. لبه‌های خمیده متمایل به داخل (لوح شماره ۳، ۵، ۱۵، ۲۲، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۰، ۴۲، ۴۳) که نمونه مشابه آن از بین‌النهرین (Jason Ur, 2012, T14/2:5) و محوطه سنگ شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳، طرح ۴: ۲) گزارش شده است. با توجه به ویژگی‌هایی چون شکل، نوع، قطر لبه، ظروف در سه دسته کوچک، متوسط و بزرگ قرار می‌گیرند. ارتفاع ظروف کوچک با توجه به چند نمونه از لبه‌ها حدود ۳۰ سانتیمتر است. ارتفاع ظروف بزرگ نیز قابل تشخیص نیست. در بدنه برخی از آنها سه خط کنده شده به صورت شیاری و موازی

یکدیگر در قسمت میانی ظرف به کار رفته است (لوح شماره ۱، ۲، ۳). بیش از ۹۴ درصد سفال‌ها از نظر ظرافت در گروه متوسط جای می‌گیرند. حدود ۹۰ درصد سفال‌ها فاقد تزئین بوده و تنها ۱۰ درصد آنها دارای تزئین هستند. حدود ۹۳ درصد سفالها با تکنیک چرخ سفالگری ساخته شده‌اند و تنها ۷ درصد دست‌ساز هستند. رنگ عمده سفال‌ها نارنجی و قهوه‌ای است. با توجه به شکل، اندازه و ویژگیهای فنی، کاربری ظروف احتمالاً در ارتباط با ذخیره مواد غذایی بوده است. از این نوع ظروف در حین کاوش به صورت برج و کار گذاشته شده در داخل کف نیز شناسایی شد. درصد فراوانی این گروه ۴۸٫۷۸٪ است و بیشترین فراوانی را در بین شکل‌ها به خود اختصاص داده است.

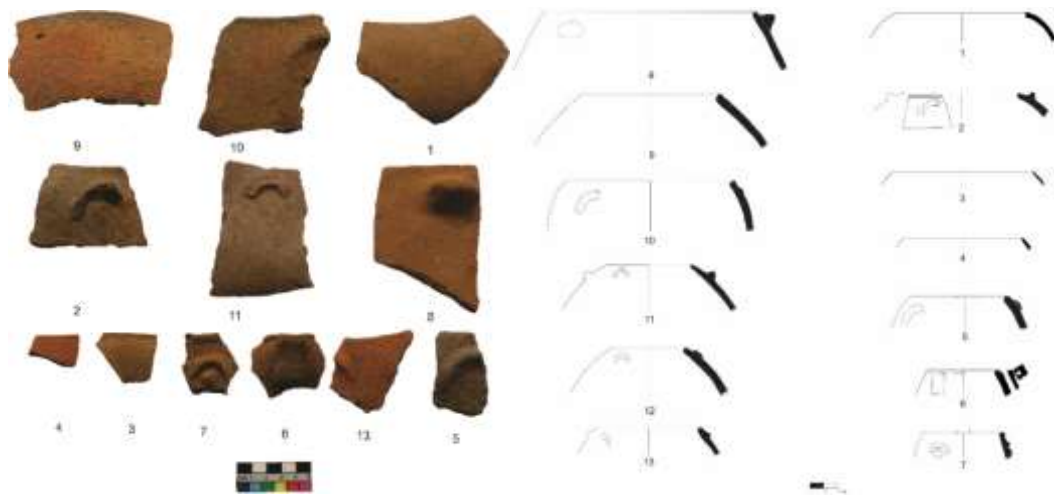


لوح ۱: اشکال مختلف ظروف گروه A در تپه بالان سردشت

شکل ۲-۱-۲. B

شامل ظروفی هستند که میانگین قطر دهانه آنها بین ۱۰ تا ۲۸ سانتیمتر است. شکل لبه‌ها شبیه هم است و همه آنها متمایل به داخل هستند. ارتفاع آنها قابل تشخیص نیست و بر اساس شکل لبه‌ها در دو دسته ظروف کوچک و بزرگ دسته‌بندی شدند. شکل‌های سفالی این دسته در گروه ظروف بدون گردن جای می‌گیرند. همانطور که اشاره شد تا حد امکان از نامگذاری ظروف پرهیز شد اما با توجه به شکل، اندازه و قطر دهانه

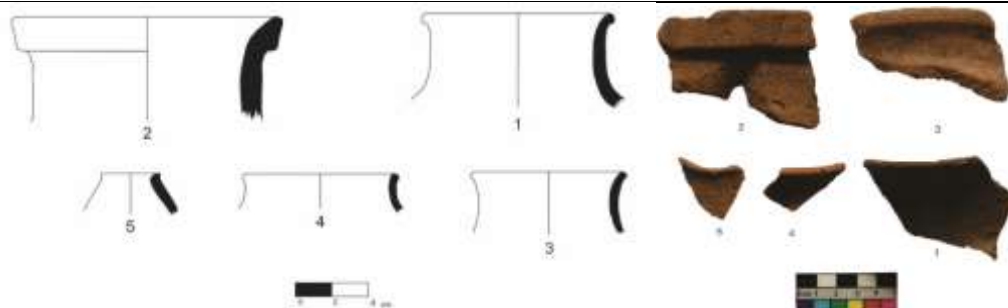
می‌توان شکل‌های سفالی این گروه را در دسته خمرها قرار داد. حدود ۹۰٪ ظروف بزرگ بوده و تنها ۱۰٪ شامل ظروف کوچک هستند. بیش از ۷۰٪ آنها افزودگی در زیر لبه دارند. افزودگی‌های به کار رفته به شکل هلالی (لوح ۲ شماره ۲، ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳) و دگمه‌ای (لوح ۲ شماره ۸) است. نقوش افزوده علاوه بر جنبه تزئینی، جنبه کاربردی نیز داشته‌اند. این نقوش کاربری همچون دسته‌های سفالی داشته‌اند. ۸۵٪ آنها از نظر ظرافت در گروه متوسط جای می‌گیرند و میانگین ضخامت آنها حدود ۱۰ میلی‌متر است. میزان فراوانی سفال‌های ظریف ۱۵٪ است که میانگین ضخامت آنها بین ۲ تا ۵ میلی‌متر است. آمیزه سفال‌ها شامل شن ریز (۶۵٪) و شن درشت (۳۵٪) است. ۸۵٪ سفال‌ها با تکنیک چرخ و ۱۵٪ آنها با دست ساخته شده‌اند. رنگ غالب ظروف قهوه‌ای و نارنجی است. بر اساس شکل، اندازه و خصوصیات فنی، کاربری این نوع ظروف احتمالاً برای ذخیره مواد غذایی بوده است. میزان فراوانی این گروه ۱۳،۶۷٪ است.



لوح ۲: اشکال مختلف ظروف گروه B در تپه بالان سردشت

۲-۱-۳. شکل C

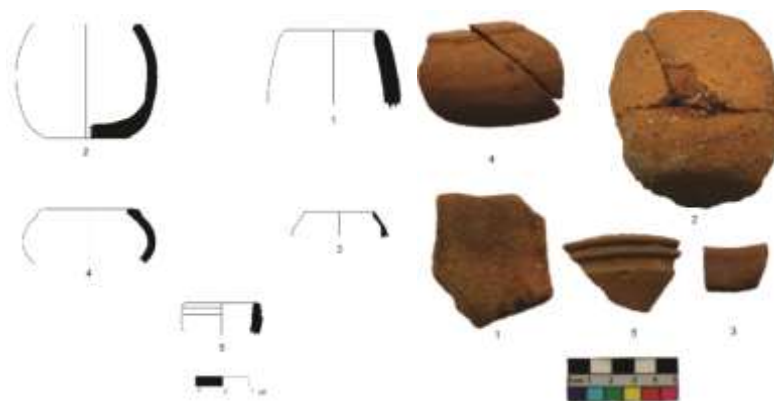
شامل ظروفی هستند که میانگین قطر دهانه آنها ۸ سانتیمتر است و در دو دسته کلی دسته‌بندی شدند: ظروف گردن‌دار (لوح ۳ شماره ۱، ۲، ۳، ۴) که نمونه مشابه آن از منطقه ماه نشان زنجان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۸: ۳) و محوطه بیستون (Kleiss, 1970, Abb, 26:35) گزارش شده است. ظروف بدون گردن (لوح ۳ شماره ۵) که نمونه مشابه آن از ماه نشان زنجان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۱۶: ۵) گزارش شده است. فرم لبه‌ها متمایل به بیرون (لوح ۳ شماره ۱، ۲، ۳، ۴) و متمایل به داخل (لوح ۳ شماره ۵) هستند. اندازه آنها قابل تشخیص نیست. بر اساس شکل لبه‌ها ظروف با اندازه متوسط به شمار می‌آیند. از تکنیک چرخ سفال‌گری برای ساخت آنها استفاده شده است. عمدتاً ظریف هستند و پخت آنها کافی است. میزان فراوانی آنها ۲،۲۸٪ است.



لوح ۳: اشکال مختلف ظروف گروه C در تپه بالان سردشت

۲-۱-۴. شکل D

شامل ظروفی هستند که میانگین قطر دهانه آنها بین ۵ تا ۶ سانتیمتر است. بر اساس یک نمونه سالم ارتفاع آنها حدود ۸ سانتیمتر است. این نوع ظروف در دسته ظروف کوچک قرار می‌گیرند. شکل‌های این گروه در دسته ظروف بدون گردن جای می‌گیرند. اغلب شکل لبه‌ها متمایل به داخل (لوح ۴ شماره ۱، ۲، ۳، ۴) هستند که نمونه مشابه آن از منطقه ماه نشان زنجان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۱۷: ۸) گزارش شده است. در یک نمونه، شکل لبه متمایل به بیرون (لوح ۴ شماره ۵) است که نمونه مشابه آن از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 15:16) گزارش شده است. با توجه به ضخامت، شکل و اندازه در گروه سفال‌های ظریف و متوسط جای می‌گیرند. عمده سفال‌ها در طیف رنگ نارنجی قرار دارند و پخت آنها نیز کافی است. کاربری این نوع ظروف مشخص نیست. میزان فراوانی آنها ۵۱،۲٪ است.

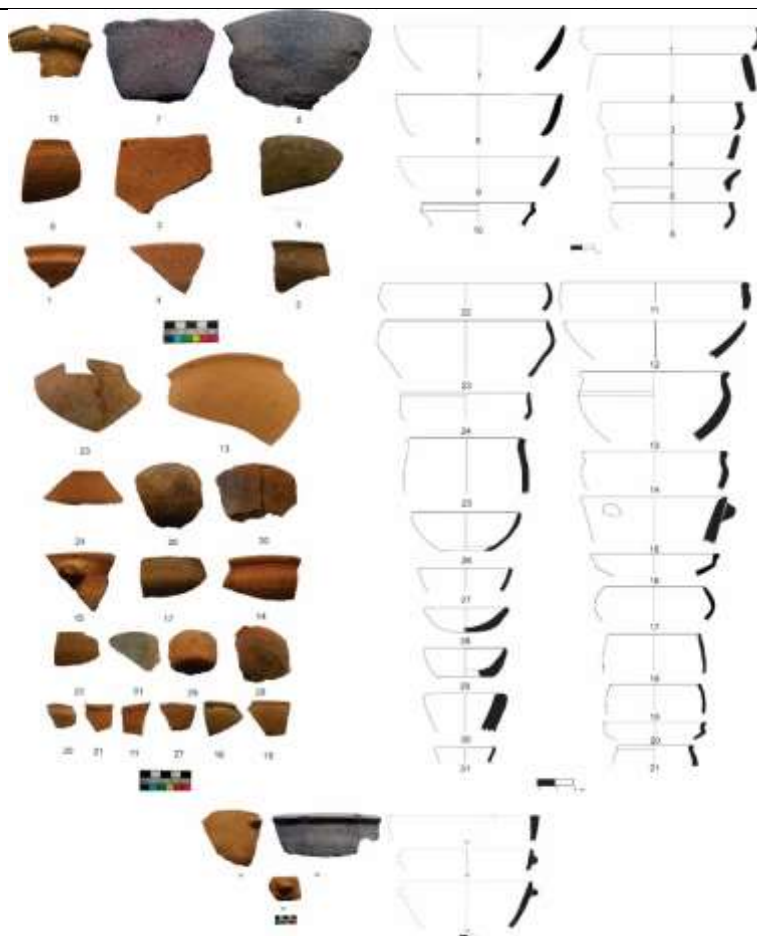


لوح ۴: اشکال مختلف ظروف گروه D در تپه بالان سردشت

۲-۱-۵. شکل E

شامل ظروفی هستند که میانگین قطر دهانه آنها بین ۵۰-۶ سانتیمتر است. در یک دسته‌بندی کلی شامل موارد زیر هستند: ظروف کوچک که میانگین قطر دهانه آنها بین ۶ تا ۱۴ سانتیمتر است، (لوح ۵ شماره ۳۱-۲۶) با توجه به شکل، اندازه و قطر دهانه، می‌توان آنها را در گروه کاسه‌های کوچک قرار داد. نمونه‌های مشابه آن از گورستان‌های گرمی (کامبخش فرد، ۱۳۷۷، طرح ۲۳) ماه نشان زنجان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۹: ۵)، سلوکیه بین‌النهرین (Debevoise, 1934, fig : 30) گزارش شده است. ارتفاع ظروف این گروه بین ۵-۸ سانتیمتر است. ظروف متوسط که میانگین قطر دهانه آنها بین ۱۶ تا ۲۴ سانتیمتر است (لوح ۵ شماره ۲۵-۱). با توجه به

شکل، اندازه و قطر دهانه، می‌توان آنها را در گروه کاسه‌های متوسط جای داد. نمونه‌های مشابه آن از محوطه‌های قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 17:15)، ماه نشان زنگان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۶: ۸)، محوطه کیش در بین‌النهرین (Langdon, 1933, fig 1:1)، قلعه ضحاک (Kleiss, 1973, Abb, 22:27)، محوطه سنگ شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳، طرح ۱: ۲) سلوکیه بین‌النهرین (Debevoise, 1934, fig: 20)، محوطه بیستون (Kleiss, 1970, Abb, 26:45) گزارش شده است. ارتفاع آنها قابل تشخیص نیست. ظروف بزرگ که میانگین قطر دهانه آنها بین ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر است (لوح ۵ شماره ۳۲، ۳۳، ۳۴). با توجه به شکل، اندازه و قطر دهانه، می‌توان آنها را در گروه کاسه‌های بزرگ جای داد. شکل لبه‌های آنها متنوع است. شامل لبه‌های نوک تیز برگشته به داخل (لوح ۵ شماره ۷، ۱۲، ۲۹) لبه‌های گرد برگشته به داخل، (لوح ۵ شماره، ۵، ۴، ۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸) لبه‌های متمایل به داخل با بدنه زاویه‌دار (لوح ۵ شماره ۱، ۳، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴) می‌شوند. میانگین ضخامت آنها ۸ میلی‌متر و در بین ۳ تا ۱۵ میلی‌متر جای می‌گیرند. آمیزه ۷۵٪ از آنها شن ریز و ۲۵٪ شن درشت است. از نظر تکنیک ساخت ۸۰٪ آنها با چرخ سفالگری و ۲۰٪ با دست ساخته شده‌اند. از نظر کیفیت پخت ۷۷٪ آنها دارای پخت کافی و ۲۳٪ آنها پخت ناکافی دارند. رنگ غالب سفال‌ها نارنجی و قهوه‌ای است. بیشتر ساده هستند و تنها در ۴٪ آنها (لوح ۸ شماره ۵، لوح ۸ شماره ۲ و ۳) دسته‌های دگمه‌ای شکل در زیر لبه افزوده شده است. این دسته‌ها جنبه کاربردی و جنبه تزئینی داشته‌اند. میزان فراوانی آنها ۲۵،۷۴٪ است.



لوح ۵: اشکال مختلف ظروف گروه D در تپه بالان سردشت

۲-۱-۶. شکل F

تعداد آنها ناچیز است و تنها ۳ نمونه از کل مجموعه را شامل می‌شوند. بنابراین نمی‌توان در مورد ویژگی‌های آنها با قطعیت اظهار نظر کرد. میانگین قطر دهانه آنها بین ۱۸ تا ۳۰ سانتیمتر و میانگین ارتفاع ۲ تا ۳ سانتیمتر است. میزان فراوانی آنها ۰,۶۸٪ است (لوح ۶ شماره ۱-۳).



لوح ۶: اشکال مختلف ظروف گروه F در تپه بالان سردشت

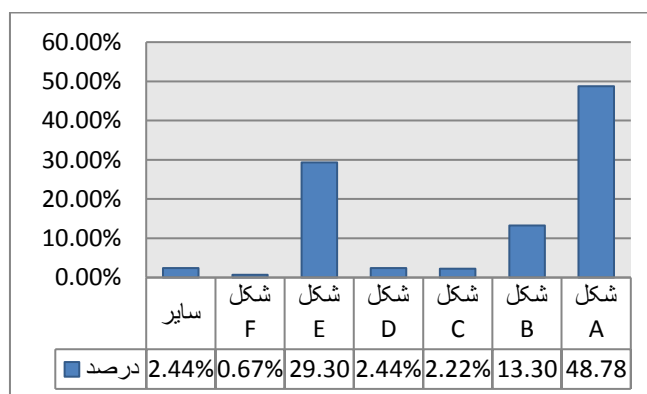
۲-۱-۷. سایر

در پایان تعدادی از لبه‌ها به دلیل نامشخص بودن شکل لبه، در یک گروه جداگانه قرار گرفتند. میانگین ضخامت آنها ۱۰ میلیمتر است و در بین ۷-۱۷ میلیمتر جای می‌گیرند. آمیزه ۸۰٪ از آنها شن ریز و ۲۰٪ شن درشت است. از نظر تکنیک ساخت همه آنها با استفاده از چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. از نظر کیفیت پخت ۸۰٪ از آنها داری پخت کافی و ۲۰٪ آنها پخت ناکافی دارند. رنگ غالب سفال‌ها نارنجی است. بیشتر لبه‌ها ساده و فاقد تزئین هستند. میزان فراوانی آنها ۲,۵۱٪ است (لوح ۷ شماره ۱-۱۰).



لوح ۷: سایر اشکال مختلف ظروف تپه بالان سردشت

نمودار ۲: درصد فراوانی شکل لبه‌ها



۲-۲. کف

کف سفال‌های بدست آمده از تپه بالان ۴۰ نمونه هستند و ۴٪ فراوانی مجموعه سفالی را شامل می‌شوند. میانگین ضخامت آنها بین ۵ تا ۱۷ میلیمتر است. آمیزه به کار رفته در آنها شامل شن ریز (۷۵٪) و شن درشت (۲۵٪) است. از نظر تکنیک ساخت ۷۷٪ کف‌ها چرخ‌ساز و ۲۳٪ آنها دست‌ساز هستند. از نظر کیفیت پخت ۶۷٪ پخت ناقص و ۳۳٪ پخت کافی دارند. رنگ عمده آنها قهوه‌ای و نارنجی است و در چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند:

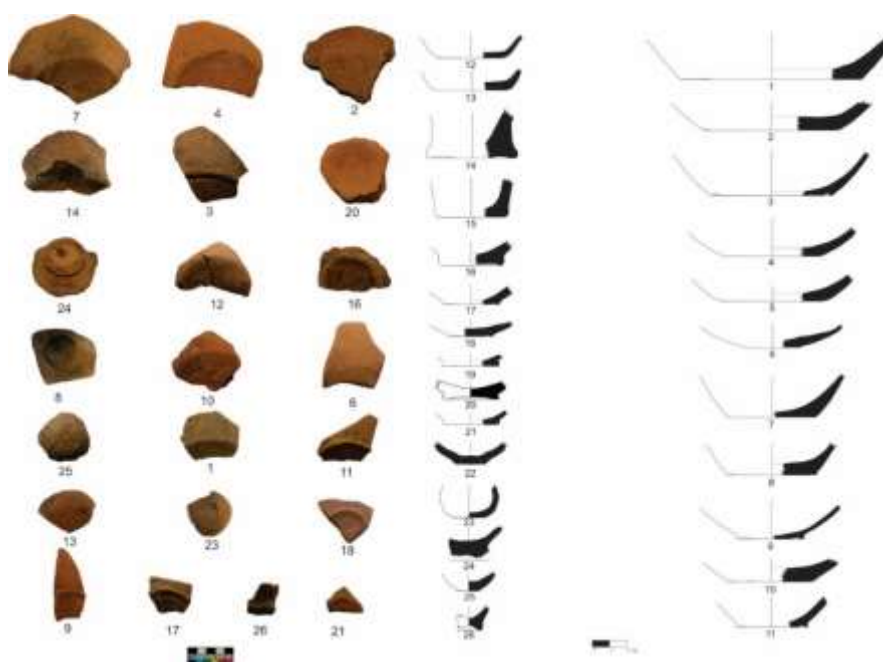
۱- کف تخت: بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است و تعداد آنها ۳۶ نمونه است. میانگین قطر آنها بین ۵ تا ۲۵ سانتیمتر است. در یک دسته‌بندی جزئی تر در ۳ گروه قابل بررسی هستند: کف‌های کاملاً صاف و تخت که تعداد آنها ۲۰ نمونه است (لوح ۸ شماره ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۲، ۲۳). نمونه‌های مشابه آن از توپسرکان زاگرس مرکزی (محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۳۷: ۱۵)، محوطه سنگ شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳،

طرح ۱۰: ۴) و قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 30:d) گزارش شده است. کف‌های تختی که در قسمت اتصال بدنه به کف دارای یک انحنا و تورفتگی است و تعداد آنها ۱۰ نمونه است (لوح ۸ شماره ۳، ۸، ۹، ۱۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸)، نمونه‌های مشابه آن از صحنه (محمدی فر، ۱۳۸۶، لوح ۳۷: ۲۴) و محوطه بیستون (Kleiss, 1970, Abb, 26:60) گزارش شده است. کف‌های تختی که یک برجستگی به ضخامت ۵ میلیمتر دارند و تعداد آنها ۴ نمونه است (لوح ۸ شماره ۱۹، ۲۱). نمونه مشابه آن از کنگاور گزارش شده است (محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۳۷: ۲۲).

۲- کف گرد: تنها یک نمونه از آن یافت شده است (لوح ۸ شماره ۲۵). نمونه مشابه آن از قلعه یزدگرد گزارش شده است (Keall, 1981, fig 30:a).

۳- کف حلقوی: تعداد آنها ۳ نمونه هستند (لوح ۸ شماره ۲۰، ۲۴، ۲۶).

۴- کف پایه‌ای: تنها یک نمونه از آن یافت شده است (لوح ۸ شماره ۱۴).



لوح ۸: اشکال مختلف کف‌های ظروف تپه بالان سردشت

۲-۳. دسته‌ها

دسته‌ها ۶ نمونه از کل مجموعه را شامل می‌شوند و میزان فراوانی آنها ۱،۱۹٪ است. در یک دسته‌بندی کلی به دسته‌های عمودی، هلالی و دگمه‌ای قابل دسته‌بندی هستند. دسته‌های عمودی به صورت شکسته و سالم یافت شده‌اند (لوح ۹ شماره ۱، ۲، ۳، ۵). میانگین ضخامت آنها بین ۲ تا ۴ سانتیمتر است. ۵۰٪ آنها پخت کافی و ۵۰٪ پخت ناقص دارند. رنگ غالب آنها قهوه‌ای و نارنجی است. دسته‌های هلالی (لوح ۹ شماره ۴) و دگمه‌ای (لوح ۵ شماره ۵، لوح ۹ شماره ۳) بیشتر جنبه تزئینی داشته‌اند. دسته‌های هلالی در بررسی محوطه‌های اشکانی منطقه یافت شده‌اند. همچنین مشابه این نوع دسته‌ها از محوطه قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 17:9) گزارش شده است.



لوح ۹: اشکال مختلف دسته‌های سفالی تپه بالان سردشت

۲-۴. پایه‌ها

تعداد ۲۱ نمونه پایه از کاوش یافت شد که میانگین ضخامت آنها بین ۳ تا ۶ سانتیمتر است. میانگین طول آنها بین ۸ تا ۱۵ سانتیمتر است. پایه‌ها ۲،۲۸٪ سفال‌ها را شامل می‌شوند. شکل کلی آنها استوانه‌ای است و از ضخامت در قسمت تحتانی کاسته می‌شود. تنها یک نمونه مستطیل شکل است که قسمت داخلی آن صاف است (لوح ۱۰ شماره ۱). همه آنها در قسمت اتصال به بدنه ظرف شکسته شده‌اند و هیچ نمونه سالمی همراه ظرف به دست نیامد. در قسمت تحتانی آنها ساییدگی قابل مشاهده است. ساییدگی ایجاد شده نشان‌دهنده استفاده آنها در گذشته است (لوح ۱۰ شماره ۲-۴). بعضی از آنها دود زده و حرارت دیده هستند. پخت آنها کافی است و رنگ عمده آنها در طیف نارنجی جای می‌گیرند. ظروف پایه‌دار از محوطه‌های اشکانی شمال ایران همچون حسنی محله و نوروز محله (هرینک، ۱۳۷۷، شکل ۲۶: شماره ۱۰-۴) یافت شده است. شکل پایه‌های ظروف در محوطه‌های اشکانی شمال ایران به صورت نوک تیز و چهار گوش هستند (همان). در پایه‌های اشکانی تپه بالان هر دو نمونه به چشم می‌خورند. به این صورت که قسمت تحتانی پایه‌ها که بر روی زمین قرار می‌گیرند، به شکل نوک تیز و چهار گوش ساخته شده‌اند.



لوح ۱۰: پایه‌های ظروف تپه بالان سردشت

۲-۵. آبریزها

تعداد آبریزها ۴ نمونه است و ۰٫۴۳٪ فراوانی مجموعه را شامل می‌شوند. هیچ نمونه سالمی همراه ظرف به دست نیامد و همه آنها در قسمت اتصال به ظرف شکسته شده‌اند. ۳ نمونه از آنها شکل استوانه‌ای دارند که میانگین طول آنها بین ۴ تا ۶ سانتیمتر است (لوح ۱۱ شماره ۳-۱). میانگین قطر آنها در قسمت آبریز ۱ تا ۲ سانتیمتر و میانگین قطر قسمت شکستگی ۲ تا ۴ سانتیمتر است. یک نمونه از آبریزها به صورت یک زائده است که احتمالاً به زیر لبه افزوده می‌شد (لوح ۱۱ شماره ۴). آمیزه آنها شن‌ریز به همراه میکا است. رنگ آنها در طیف نارنجی و قهوه‌ای قرار می‌گیرند. ظروف لوله‌دار از محوطه‌های شمال ایران همچون حسنی محله و نوروز محله (هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۲۶: شماره ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۵، ۱۷) و گورستان‌های گرمی مغان (کامبخش فرد، ۱۳۷۷، عکس ۶۸-۷۳) یافت شده است. آبریزهای ظروف محوطه‌های اشکانی شمال ایران ساده هستند و از لحاظ شکل و اندازه قابل مقایسه با آبریزهای تپه بالان هستند. انتهای آبریزهای به دست آمده از ظروف گورستان‌های گرمی به شکل سر حیوانات است و از لحاظ شکل و اندازه نمی‌توان آنها را با آبریزهای تپه بالان مقایسه کرد (همان).



لوح ۱۱: اشکال مختلف آبریزهای ظروف تپه بالان سردشت

۲-۶. درپوش‌ها(?)

تعداد آنها ۶ نمونه است و در دو گروه کلی دسته‌بندی شدند. گروه اول شامل درپوشی هستند که قسمت‌هایی از لبه آن شکسته شده است. شکل کلی آن دایره‌ای است. قسمت بیرونی دارای برجستگی به قطر ۴ سانتیمتر و ضخامت ۳ سانتیمتر است. سوراخی در قسمت میانی آن ایجاد شده است. بر روی لبه و قسمت داخلی آثار ساییدگی دیده می‌شود. پخت آن ناکافی است و در آمیزه آن از شن‌درشت استفاده شده است. بر روی آن آثار دودزدگی و حرارت دیده می‌شود. تنها یک نمونه از آن یافت شد (لوح ۱۲ شماره ۱). گروه دوم شامل درپوش‌هایی هستند که شکل و اندازه آنها شبیه هم است. شکل آنها شبیه به ظروف از جمله نعلبکی است اما به دلیل نداشتن ایستایی کامل نمی‌توان کاربری ظروف را برای آنها در نظر گرفت. نمونه‌ها تقریباً سالم هستند و شکل اصلی آنها قابل تشخیص است. دایره‌ای شکل هستند و میانگین قطر آنها بین ۷ تا ۹ سانتیمتر است. تعداد آنها ۵ نمونه است (لوح ۱۲ شماره ۲-۶). در قسمت مرکزی تورفتگی به عمق ۸ تا ۶ میلیمتر به کار رفته است. قسمت تحتانی آنها با یک انحنای دارای برجستگی به قطر ۴ تا ۵ سانتیمتر است. میانگین ضخامت برجستگی ۲ تا ۴ میلیمتر است. همه درپوش‌ها ظریف هستند و میانگین ضخامت آنها بین ۵ تا ۷ میلیمتر

است. در آمیزه آنها از شن‌ریز به همراه ذرات میکا استفاده شده است. آثار ساییدگی بر روی لبه آنها دیده می‌شود که احتمالاً در اثر تماس با دست ایجاد شده است. رنگ آنها قهوه‌ای روشن هستند.



لوح ۱۲: درپوش‌های (۴) تپه بالان سردشت

۷-۲. طبقه‌بندی سفال‌ها به لحاظ نوع تزئین

سفال‌ها در دو گروه ساده و دارای تزئین دسته‌بندی شدند. تعداد ۷۲۴ نمونه ساده و فاقد تزئین بودند که ۸۵٪ مجموعه را شامل می‌شوند. تعداد ۱۹۹ نمونه دارای تزئین بودند که ۱۵٪ سفال‌ها را شامل می‌شوند. تزئینات بیشتر بر روی بدنه و در قسمت میانی ظروف به اجرا در آمده است. تزئینات در چهار گروه افزوده، کنده، فشاری و استامپی جای می‌گیرند (نمودار ۴).

۱-۷-۲. نقوش کنده

نقوش کنده در دو گروه مطالعه شده‌اند. گروه اول شامل نقوش کنده‌ای هستند که در بیرون سفال‌ها به کار رفته‌اند. گروه دوم شامل نقوش کنده‌ای هستند که در داخل سفال‌ها ایجاد شده‌اند.

۱-۱-۷-۲. نقوش کنده بیرون سفال

این نوع نقوش جنبه تزئینی داشته‌اند. تزئینات به کار رفته از لحاظ شکل متنوع هستند و در ۵ گروه مجزا قرار گرفتند.

۱- خطوط شیاری موازی که رایج‌ترین نقش بوده و بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. این نقش به صورت سه خط موازی است. خطوط بهم نزدیک هستند و در قسمت میانی ظروف به کار رفته‌اند (لوح ۱۴ شماره ۸، ۱۵، ۱۹، ۱۶). در این نوع سفال‌ها، سفالگر قبل از ورود سفال به کوره با استفاده از شی نوک تیزی خطوط دایره‌ای را همزمان که سفال بر روی چرخ در حال چرخش است، ایجاد کرده است. فرم این نوع ظروف بر اساس چند نمونه در گروه A قرار دارند (لوح ۱ شماره ۱، ۲، ۳). عمق کنده‌کاری‌ها خیلی کم بوده و حدود ۱

میلیمتر است. در یک نمونه در فواصل بین خطوط شیاری نقوش کنده به شکل نقطه‌چین در سه ردیف به اجرا در آمده است (لوح ۱۴ شماره ۱۳). نمونه مشابه آن از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 23:25) گزارش شده است. تعداد ۶۸ نمونه دارای نقش کنده شیاری بودند که ۳۴٪ از کل مجموعه را شامل می‌شوند.

۲- گروه دوم شامل خطوط موربی هستند که در فواصل بین خطوط شیاری کنده شده‌اند (لوح ۱۴ شماره ۲، ۲۰، ۷، ۱۱، ۱۷). نمونه‌های مشابه آن از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 24:23) و از توپسکان زاگرس مرکزی (محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۲: ۲۲) گزارش شده است. عمده سفال‌ها رنگ نارنجی دارند و از نظر ظرافت در گروه سفال‌های ظریف و متوسط قرار می‌گیرند. یک نمونه از آنها سفال خاکستری است. تعداد سفال‌های این گروه ۹ نمونه است که ۵٪ مجموعه را شامل می‌شوند.

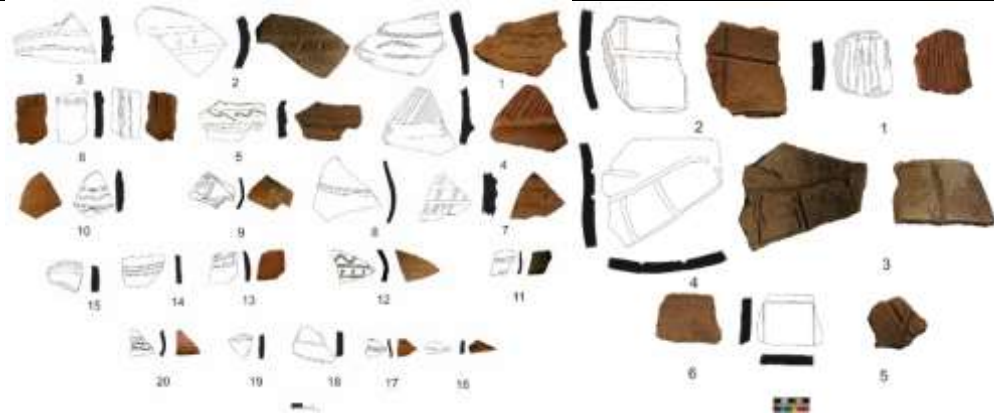
۳- گروه سوم شامل خطوط مواجی هستند که گاهی همراه با خطوط مورب به کار رفته‌اند (لوح ۱۴ شماره ۵ و ۱۲). تعداد آنها ۲ نمونه است و ۱٪ مجموعه را شامل می‌شوند.

۴- گروه چهارم شامل خطوط شانهای هستند که خطوط کنده شده موازی در قسمت تحتانی و فوقانی آن به کار رفته است و خطوط شانهای به شکل موج در بین آنها به اجرا در آمده‌اند. در یک نمونه خطوط شانهای در دو ردیف به اجرا در آمده است. تعداد آنها ۲ نمونه است و ۱٪ مجموعه را شامل می‌شوند (لوح ۱۴ شماره ۱ و ۱۰). نمونه مشابه آن از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 26:10) گزارش شده است.

۵- گروه پنجم شامل خطوط مثلثی شکل یا زیگزاگی هستند که در بین خطوط شیاری به اجرا در آمده است. از این نوع نقش تنها یک نمونه یافت شده است و کمتر از ۱٪ سفال‌ها را شامل می‌شود (لوح ۱۴ شماره ۹). نمونه مشابه آن از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 23:30) گزارش شده است.

۲-۷-۱-۲. نقوش کنده داخل سفال

نقوش سفال‌های این گروه قابل توجه هستند. خطوط کنده‌ای را در داخل ظرف به کار برده‌اند که گاهی موازی همدیگر و گاهی با فاصله از هم ایجاد شده‌اند. تعدادی از آنها فاقد هر گونه نظم هستند (لوح ۱۳ شماره ۱، ۴، ۵) تعدادی نیز در موارد اندکی به صورت شبکه‌های مربع شکل کنده شده‌اند (لوح ۱۳ شماره ۲، ۳، ۶). با توجه به این که کنده‌کاری‌ها را در داخل ظرف به کار برده‌اند بنابراین نمی‌توان جنبه تزئینی را برای آنها متصور شد. این نوع نقش‌ها قطعاً کاربری خاصی داشته‌اند و روی ظروفی ایجاد شده‌اند که میانگین ضخامت آنها ۱۲ میلیمتر است. میانگین ضخامت نقش‌ها بین ۲ تا ۸ میلیمتر است. خطوط کنده را قبل از ورود سفال به کوره ایجاد کرده‌اند. بیشتر سفال‌های این گروه چرخ‌ساز هستند. روی دو نمونه از سفال‌ها علاوه بر نقش کنده در داخل ظرف در قسمت بیرونی سفال نیز نقش افزوده طنابی به کار رفته است (لوح ۱۳ شماره ۶). اگرچه سفال‌های یافت شده همه مربوط به بدنه هستند اما باید توجه داشت که شکل ظروف دارای دهانه‌باز بودند به این معنی که سفالگر می‌توانسته در هنگام ساخت سفال به راحتی دست خود را به داخل ظرف فرو برده و این نوع کنده‌کاری‌ها را ایجاد کند. با توجه به ضخامت و نحوه شکل سفال می‌توان آنها را در گروه شکل A و E قرار داد. با توجه به سبب‌دهی‌هایی که در اطراف بعضی از این خطوط قابل مشاهده است، احتمالاً کاربری همانند سینی‌های پوست‌کنی داشته‌اند. فرم با دهانه باز این امکان را فراهم می‌کرد که عمل پوست‌کنی به راحتی در داخل آن انجام گیرد. تعداد آنها ۱۸ نمونه است و میزان فراوانی آنها ۹٪ است.

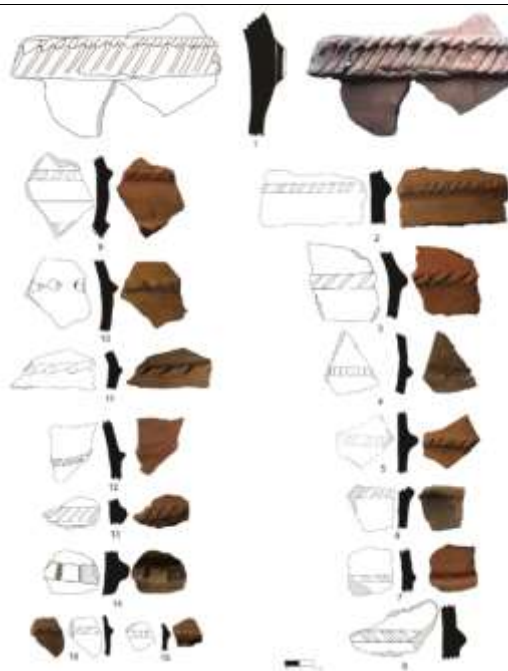


لوح ۱۴: نقوش کنده بیرون سفال

لوح ۱۳: نقوش کنده داخل سفال

۲-۷-۲. تزئینات افزوده

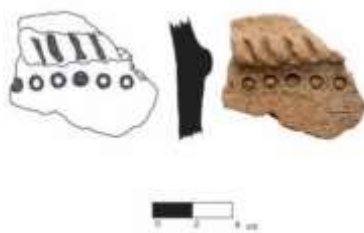
تزئینات افزوده رایج‌ترین تزئین بر روی سفال‌ها بوده و ۵۲٫۴۹٪ فراوانی را به خود اختصاص داده است. این نوع تزئین در دو گروه مجزا دسته‌بندی شدند. گروه اول شامل نقش‌های افزوده طنابی هستند. در این نوع نقش سفالگر بعد از ساخت سفال، گل را به صورت فتیله‌ای در آورده و سپس آن را به بدنه ظرف افزوده است. بر روی تزئینات افزوده نقش انگشتی (لوح ۱۹ شماره ۱۰) و خطوط کنده به صورت عمودی (لوح ۱۵ شماره ۴، ۱۴، ۱۵) و مورب (لوح ۱۵ شماره ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶) به اجرا در آمده است. مشابه آنها از قلعه یزدگرد (Keall, 1981, fig 25:14) و از پایه (محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۲: ۱۴) گزارش شده است. میانگین ضخامت نقش‌ها بین ۱ تا ۲ سانتیمتر است. گاهی نقوش افزوده در دو ردیف و با فاصله از یک‌دیگر به کار رفته است (لوح ۱۵ شماره ۹). سفال‌هایی که دارای چنین نقشی هستند در گروه سفال‌های متوسط و خشن جای می‌گیرند. نقوش تزئینی نیز متناسب با ضخامت سفال به کار رفته است. تعداد آنها ۵۲ نمونه است و میزان فراوانی آنها ۲۸٫۲۹٪ است. گروه دوم شامل نقوشی هستند که به صورت یک نوار کشیده شده در قسمت میانی ظرف به کار رفته‌اند. این نوع نقش‌ها نیز همانند نقوش طنابی بعد از ساخت سفال به صورت یک نوار به ظرف اضافه می‌شد. میانگین ضخامت آنها بین ۲ تا ۳ سانتیمتر است. سفال‌هایی که دارای چنین نقشی هستند در گروه سفال‌های خشن قرار می‌گیرند. تعداد آنها ۴۱ نمونه است و میزان فراوانی آنها ۲۴٫۲۰٪ است.



لوح ۱۵: نقوش افزوده طنابی

۲-۷-۳. تزئین استامپی

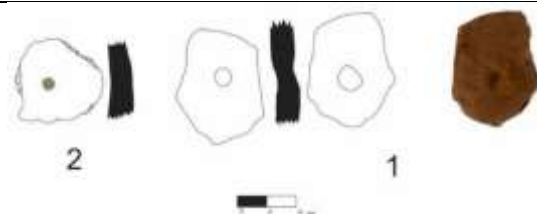
تنها یک نمونه از این نوع نقش یافت شد و میزان فراوانی آن ۰.۵۵٪ است. در قسمت فوقانی آن نقش طنابی افزوده به کار رفته است و در قسمت تحتانی نقوش دایره‌ای به صورت استامپی ایجاد شده است (لوح ۱۶). نقوش استامپی در یک ردیف نسبتاً منظم و با فاصله حدود ۵ میلی‌متر از یک دیگر به کار رفته‌اند. نقوش قبل از ورود سفال به کوره با استفاده از یک شیء دایره‌ای بر روی بدنه ایجاد شده است.



لوح ۱۶: تزئین استامپی بر روی یک قطعه سفال از تپه بالان

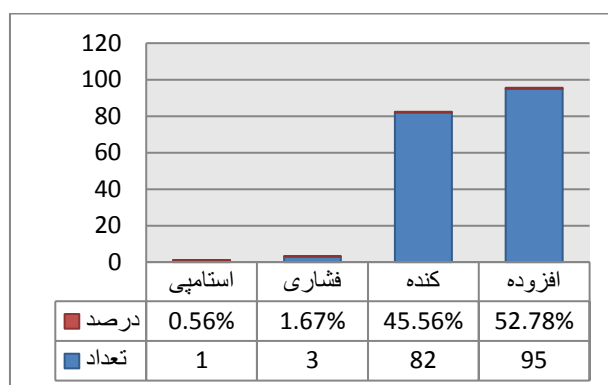
۲-۷-۴. تزئینات فشاری

شکل این نوع تزئینات دایره‌ای است و بر روی بدنه ظروف به کار رفته است. قبل از ورود سفال به کوره با استفاده از انگشت و یا شیء دایره‌ای بر روی بدنه سفال ایجاد شده است. قطر آنها حدود یک سانتی‌متر و عمق فرورفتگی‌ها بین ۱ تا ۲ میلی‌متر است. تعداد آنها ۲ نمونه است و میزان فراوانی آنها ۱.۶۶٪ است (لوح ۱۷ شماره ۱ و ۲).



لوح ۱۷: تزئینات فشاری

نمودار ۴: درصد فراوانی تزئینات سفال‌ها



۲-۸. خصوصیات فنی سفال‌ها

۲-۸-۱. آمیزه

در دو دسته شن‌ریز و شن‌درشت مطالعه شدند. شن‌ریز با ۵۵٪، فراوانی بیشتری دارد. شن‌درشت که ۴۵٪ آمیزه سفال‌ها را در بر می‌گیرد. به شکل سنگ‌ریزه بر روی بدنه سفال‌ها قابل مشاهده است. وجود ذرات میکا قابل توجه است و در ۵۷٪ سفال‌ها میکا مشاهده شد. همچنین در آمیزه ۴٪ از سفال‌ها به همراه شن مواد گیاهی به کار رفته بود.

۲-۸-۲. کیفیت پخت

در دو دسته کلی پخت کافی و پخت ناقص جای گرفتند. مبنای مطالعه مشاهده لایه خاکستری رنگ در مقطع سفال و همچنین در نظر گرفتن دانه‌بندی سفال بود. بر این اساس تعداد ۴۷۰ قطعه از سفال‌ها پخت کافی داشتند که ۵۱٪ مجموعه را شامل می‌شوند. ۴۵۳ قطعه از سفال‌ها پخت ناقص داشتند که ۴۹٪ مجموعه را در بر می‌گیرد. این تعداد نشان‌دهنده نبود تسلط کافی بر حرارت کوره بوده است. در حالی که در محوطه‌های هم دوره تپه بالان وضعیت متفاوت‌تری گزارش شده است. از محوطه‌هایی چون قلعه ضحاک (Kleiss, 1973)، سنگ شیر همدان (افشاری و نقشینه، ۱۳۹۳) منطقه ماه‌نشان زنجان (خسرو زاده و عالی، ۱۳۸۳) به پخت مناسب سفال‌ها اشاره شده است.

۲-۸-۳. ظرافت

سفال‌ها در ۳ دسته کلی ظریف، متوسط و خشن دسته‌بندی شدند. مبنای بررسی، ضخامت و دانه‌بندی سفال بود. بر این اساس تعداد ۶۶۷ نمونه در دسته متوسط قرار گرفتند که میزان فراوانی آن ۷۲٪ است. این گروه

درصد فراوانی بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها دارد. تعداد ۱۰۴ نمونه ظریف بودند که ۱۱٪ کل سفال‌ها را شامل می‌شوند. تعداد ۱۵۲ نمونه خشن بودند که ۱۷٪ مجموعه را شامل می‌شوند.

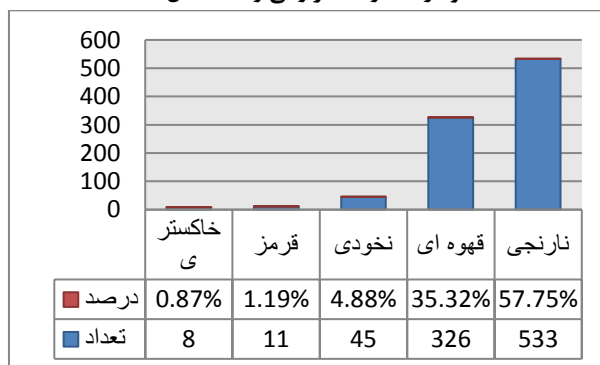
۲-۸-۴. تکنیک ساخت

در دو دسته کلی چرخ‌ساز و دست‌ساز طبقه‌بندی شدند. مبنای کار برای سفال‌های چرخ‌ساز یک سطح و یک شکل بودن سطوح داخلی و بیرونی سفال‌ها و همچنین مشاهده خطوط چرخ سفالگری بر روی سطوح سفال‌ها بود. مبنای کار برای سفال‌های دست‌ساز یک سطح و یک دست نبودن سطوح داخلی و بیرونی آنها و همچنین مشاهده آثار دست انسان بر روی سفال‌ها بود. بر این اساس تعداد ۶۸۳ نمونه با تکنیک چرخ سفالگری ساخته شده بودند که ۷۴٪ مجموعه را شامل می‌شوند. تعداد ۲۴۰ نمونه دست‌ساز بودند که میزان فراوانی آنها ۲۶٪ است.

۲-۸-۵. رنگ

سفال‌ها در ۵ گروه طیف رنگهای نارنجی، قهوه‌ای روشن، نخودی، خاکستری، قرمز دسته‌بندی شدند. ۵۳۳ نمونه رنگ نارنجی داشتند و میزان فراوانی آنها ۵۷٫۷۵٪ است. رنگ نارنجی در بین رنگ سفال‌ها درصد فراوانی بیشتری دارد. ۳۲۶ نمونه رنگ قهوه‌ای روشن داشتند که میزان فراوانی آنها ۳۵٫۳۲٪ است. تعداد ۴۵ نمونه رنگ نخودی داشتند و میزان فراوانی آنها ۴٫۸۸٪ است. تعداد ۱۱ نمونه رنگ قرمز و ۸ نمونه رنگ خاکستری داشتند که به ترتیب هر کدام میزان فراوانی آنها ۱٫۱۹٪ و ۰٫۸۷٪ است (نمودار ۵).

نمودار ۵: درصد فراوانی رنگ سفال‌ها



۳. نتیجه گیری

محوطه‌هایی که در حاشیه رودخانه زاب شکل گرفته‌اند وسعت چندانی ندارند. تپه بالان نیز محوطه‌ای کوچک است و دارای وسعتی حدود ۲-۳ هکتار است. اگر چه سفال‌هایی که از این تپه یافت شده‌اند، بیشتر دارای سبک محلی هستند و از نظر فنی نمی‌توان آنها را با محوطه‌های مهم و بزرگتر قابل مقایسه دانست، اما برای درک بهتر، شکل‌های سفالی با محوطه‌های دیگر مقایسه شد. از آنجایی که اطلاعات باستان‌شناسی در مورد شمال غرب ایران از دوره اشکانی خیلی اندک است، سفال‌های تپه بالان با سایر سفال‌های محوطه‌های دیگر از جمله زاگرس مرکزی مقایسه شد. شباهت‌هایی بین بعضی از فرم‌های سفالی با سفال‌های محوطه‌های اشکانی از جمله قلعه ضحاک، قلعه یزدگرد، بیستون، سنگ شیر همدان، گرمی، ماه نشان زنجان و محوطه‌های کیش و

سلوکیه در بین‌النهرین دیده شد. تزئینات به کار رفته بر روی سفال‌ها تشابهات بیشتری با محوطه‌های زاگرس مرکزی از جمله قلعه یزدگرد دارند. طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌ها نشان داد که شکل‌های A و B بیش از ۶۰٪ شکل‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. اندازه، شکل و خصوصیات فنی آنها نشان‌دهنده سفال‌هایی با کاربری ظروف ذخیره بوده‌اند. از این نوع ظروف در حین کاوش به صورت برج و کار گذاشته شده در داخل کف نیز شناسایی شد. شرایط جغرافیایی و موقعیت قرارگیری تپه بالان در کنار رودخانه زاب کوچک و دشت حاصلخیز کلو، این امکان برای ذخیره مواد غذایی و یک استقرار دائمی مهیا کرده بود.

خصوصیات فنی سفال‌ها مبین آن است که در ساخت آنها از شن‌ریز و درشت به اندازه تقریباً مساوی در آمیزه استفاده شده است و استفاده از مواد گیاهی خیلی اندک بوده است. آنچه که روشن است نیمی از سفال‌ها پخت ناکافی داشتند و این نشان‌دهنده عدم کنترل حرارت کوره سفال‌پزی بوده است. بیش از ۷۰٪ سفال‌ها در گروه متوسط جای گرفتند که نشان‌دهنده تمایل و نیاز ساکنین تپه بالان به استفاده از ظروفی با ظرافت متوسط بوده است. حدود یک چهارم سفال‌ها با دست ساخته شده بودند که مبین استفاده نسبتاً خوب از تکنیک دست برای ساخت سفال‌ها بوده است.

بررسی سفال‌های تپه بالان نشان داد که اشکال ظروف گروه B و F از نوع سفال‌های بومی منطقه به شمار می‌آیند. سایر اشکال از جمله اشکال مختلف گروه A و E شباهت‌های بیشتری را با محوطه‌های مناطق زاگرس مرکزی از جمله قلعه یزدگرد، بیستون و سنگ شیر همدان نشان دادند.

منابع

- افشاری، لیلا و نقشینه، امیر صادق، (۱۳۹۳)، "توصیف و طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره‌ی اشکانی گورستان سنگ شیر همدان"، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، دوره چهارم، صص ۱۳۲-۱۱۳.
- بیننده، علی، "بررسی باستان‌شناختی حوضه رودخانه زاب کوچک" *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دوره تاریخی*، استاد راهنما حمید خطیب شهیدی، دانشگاه تربیت مدرس (چاپ نشده)
- پیروتی، علی، (۱۳۸۹)، "مکانیابی دفن زباله شهر سردشت با استفاده از مدل فازی و ای اچ پی"، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد GIS*، استاد راهنما علیرضا فراگوز، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات (چاپ نشده).
- حیدری، رضا، (۱۳۸۶)، "نتایج مقدماتی بررسی باستان‌شناسی رودخانه زاب کوچک در شهرستان سردشت"، *آرشیو سازمان میراث‌فرهنگی استان آذربایجان غربی*، گزارش منتشر نشده.
- حیدری، رضا، (۱۳۹۴)، "گزارش اولیه فصل نخست کاوش تپه بالان مهر و آبان ۱۳۹۴"، منتشر نشده.
- خسروزاده، علیرضا و عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۳)، "توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان)"، *مجموع مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران حوزه شمال‌غرب ایران به کوشش مسعود آذرنوش*، تهران: انتشارات پژوهشکده باستان‌شناسی و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۷۰-۴۵.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۷)، *گورخمره‌های اشکانی*، پیوست یک مجله باستان‌شناسی و تاریخ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هرینک، ارنی، (۱۳۷۶)، *سفال ایران در دوران اشکانی* ترجمه حمیده چوبک، تهران: انتشارات سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- Debevoise, N.C., 1934. *Parthian Pottery from Seleucia on Tigris*, Ann Arbor: Michigan University Press.
- Keal E. J., Keal M. J., 1981. "The Qal'eh-I Yazdigird Pottery": A statistical approach, Iran, Vol. 19.
- Kleiss, W., 1970. "Zur Topographie des parther hanges in Bistun" AMI, Band 3:133-168

Kliess, W., 1973. "Qaleh-I Zohak in Azarbaidjan" AMI, 6, pp.:163-191.

Longdons, S., 1934. "Excavation at Kish and Barghuthi at 1933, In: Sasanian and Parthian remains in central Mesopotamia II, pottery" Iraq Vol.1, PP.113-136.

Ur, Jason., 2012. Working ceramic typology, Iraqi Jazira project.

An introduction, description and classification of Parthian pottery from Tepe Balan, Sardasht, First season.